

مختار قاتل امام حسین(ع) را چگونه مجازات کرد



مختار مأمورانی را برای دستگیری وی اعزام کرد، سنان غافلگیر شد و در منطقه‌ای بین «عذیب» و «قادسیه» به چنگ مأموران مختار افتاد. «سنان» را دست‌بسته نزد مختار آوردند و این جانی قسی القلب در چنگال عدالت گرفتار شد.

مختار مأمورانی را برای دستگیری وی اعزام کرد، سنان غافلگیر شد و در منطقه‌ای بین «عذیب» و «قادسیه» به چنگ مأموران مختار افتاد. «سنان» را دست‌بسته نزد مختار آوردند و این جانی قسی القلب در چنگال عدالت گرفتار شد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، حجت‌الاسلام والمسلمین ابوفاضل رضوی اردکانی نویسنده کتاب «ماهیت قیام مختار بن ابی عبید ثقفی» با تکیه بر روایات معتبر، اقوال و نظریات علمای بزرگ اسلام و کمک‌گرفتن از علم رجال و تاریخ، با روش نقد و تحلیل و جرح و تعدیل، ابعاد شخصیتی مختار ثقفی را به صورت همه‌جانبه بررسی کرده و ثابت کرده است که او مردی پاک، فداکار، معتقد به امامت ائمه هدی(ع) بوده و قیامش با اذن و اجازه و رضایت کامل امام معصوم و دخالت مستقیم اهل بیت پیامبر(ص) همراه بوده است. در این کتاب - که از مطالب مستند و مستدل بهره برده و از پرداختن به مطالب موهون و افسانه‌گونه، مانند بعضی از مقاتل و مختارنامه‌ها پرهیز کرده - روشن شده است که مختار نه کیسانی بوده و نه بنیانگذار این مکتب است و نه ادعای باطل داشته، بلکه کلیه این اتهامات از جانب دشمنان اهل بیت(ع) و راویان و مورخان وابسته به طاغوت مطرح شده است.

در ادامه بخش‌هایی از این کتاب را مرور می‌کنیم.

* چه کسی سر از بدن امام جدا کرد

در روز عاشورا پس از آنکه امام حسین(ع) تنها شد و جنگ‌های زیادی کرد، ضربات زیادی از نیزه و شمشیر بر بدن مقدس حضرت(ع) وارد شد، شمر و سنان بن انس با 10 نفر از نیروهای پیاده به سوی خیمه امام حسین(ع) هجوم بردند که امام با دست خود اشاره به آنان کرد و آن جمله معروف را فرمود که «اگر دین ندارید و از روز معاد نمی‌هراسید، لااقل آزاد مرد باشید، به زن و بچه من چه کار دارید؟» و عمر سعد دستور داد آنان متعرض خانواده حضرت نشوند.

پس از آنکه امام حسین(ع) مورد ضربات نیزه و شمشیرها واقع شد و دیگر توان ایستادن نداشت، سنان بن انس با نیزه‌اش سینه مظلوم کربلا را نشانه رفت که حضرت نقش بر زمین شد. «سنان» به «خولی» گفت: زود باش سر او را از بدنش جدا کن، خولی جلو رفت، اما هیبت امام او را گرفت و بدنش به لرزه افتاد. سنان با عصبانیت فریاد زد: خدا دهان و بازویت را بشکند، چرا می‌ترسی؟ و خود آن ملعون از اسبش پیاده شد و سر مقدس فرزند رسول خدا (ص) را از بدنش جدا کرد و آن را به خولی سپرد. (البته طبق روایت دیگری شمر سر مقدس امام را از بدنش جدا کرد)

پس از این جنایت بزرگ، اطرافیان سنان به او گفتند: تو کار مهمی کردی، تو بزرگترین مرد عرب را کشتی! تو حسین فرزند فاطمه دختر رسول خدا(ص) را به قتل رساندی، تو پاداش مهمی در نزد امیر خواهی داشت، تو از عمر سعد و دیگر سران بخواه که پاداش و جایزه بزرگی به تو دهند، گر چه اگر تمام اموالشان را به تو عنوان جایزه دهند، در مقابل کارت کوچک است.

«سنان بن انس» سوار بر اسبش شد، او طبع شاعری نیز داشت و خود را به خیمه عمر سعد رساند و این اشعار را با صدای رسا خواند:

اوفر رکابی فضة وذهب/ انی قتلت السید المحجبا

(ای امیر، مرا غرق در طلا و نقره کن، من آن آقای بزرگوار را کشتم)

قتلت خیر الناس اما وابا/ وخیرهم اذ ینسبون نسباً

(من بهترین مردم را از نظر پدر و مادر کشتم و دارنده بهترین نسب را به قتل رساندم)

عمر سعد با تعجب و ناراحتی فریاد زد: اشهد ائک مجنون؟ واقعا تو دیوانه‌ای و او را به خیمه خود برد و با چوب به سر او زد و

گفت: احمق! فهمیدی چه می‌گفتی؟! به خدا اگر امیر عبیدالله بن زیاد این حرف‌ها را از تو می‌شنید، گردنت را می‌زد!

*نحوه اعدام «سنان» توسط مختار

سنان بن انس نیز به شدت تحت تعقیب بود، زیرا مختار او را قاتل اصلی امام حسین(ع) می‌دانست، «سنان» خود آگاه بود که اگر به چنگ مختار افتد، حسابش پاک است، بنابراین پیش از همه از کوفه فرار کرد و به بصره رفت، مختار دستور داد خانه او را ویران کردند.

پس از چندی به صورت پنهانی از بصره به «قادسیه» گریخت، مأموران اطلاعاتی مختار که کاملاً حرکت‌های سنان را زیر نظر داشتند، به مختار گزارش دادند که وی به قادسیه آمده است.

مختار مأمورانی را برای دستگیری وی اعزام کرد، سنان غافلگیر شد و در منطقه‌ای بین «عذیب» و «قادسیه» به چنگ مأموران مختار افتاد.

«سنان» را دست‌بسته نزد مختار آوردند و این جانی قسی القلب در چنگال عدالت گرفتار شد و بار دیگر وعده خدا تحقق یافت.

مختار دستور داد ابتدا انگشتان آن خبیث را قلم کردند، سپس دو دستش و بعد دو پایش را قطع کردند، دیگی بزرگ که در آن روغن زیتون می‌جوشید، آماده کردند و سنان نیز هنوز زنده بود، وی را درون دیگ جوشان انداختند و به این ترتیب به اشد مجازات رسید.